



مدد حقوق



شاپا چاپی: ۱۸۴۱-۲۷۸۳
شاپای الکترونیکی: ۱۹۲۲-۲۷۸۳

دوره ۸ - شماره ۲۵ - پاییز ۱۴۰۴

امکان‌سنجی تحقق جنایت علیه بشریت از رهگذر تحریم‌های اقتصادی یکجانبه آمریکا علیه ایران
 همایون مافی، مرتضی پورعزیز
 بررسی قراردادهای هوشمند مبتنی بر بلاکچین از منظر کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا
 آریا ابراهیمی، سبحان طیبی
 هوش مصنوعی و نظام حقوق کیفری: تحلیل مسئولیت‌ها و پیامدها
 هادی جمشیدی فر، مهدی جعفریان، رقیه جعفریان
 تحول دادرسی کیفری در پرتو عدالت دیجیتال: کارکرد هم‌افزایانه فناوری‌های نوپهور
 سیدعلیرضا میرکمالی، سیدمصطفی حسینی دستجردی
 وضعیت حقوقی اختراع مشترک و میزان مالکیت و نحوه تصرف مخترعین در آن
 سعید مولوی، نرجس دریانی چلچله
 تعهدات قراردادی در تجارت الکترونیک فرامرزی و چالش‌های اجرای آن در داوری بین‌المللی با تأکید بر معاهدات بین‌المللی
 احسانه وثوقی منفرد، محمدعلی کفایی فر
 تحلیلی بر دخالت نظریه‌های اخلاقی در حقوق کیفری
 ایرج مروتی، سعید احمدی، نگین بهادری جهرمی
 لزوم جرم‌انگاری نگهداری ماینر در ایران (مطالعه تطبیقی)
 مهدی رجائیان، شادی چگینی
 ارتباط کرامت انسانی و اهداف مجازات‌ها در حقوق کیفری
 امیرحسین ابوالحسینی، ستار فخرایی، زینب قادری
 واکاوی مفهوم «احق بالولد» در روایات امامیه: نقدی بر انگاره «حضانت» در فقه و حقوق خانواده
 حجت‌اله دهقانی
 سامانه جامع حقوقی شرکت ملی نفت ایران «سحن»: تحولی راهبردی در حکمرانی حقوقی هوشمند صنعت نفت ایران
 سیدحجت‌الله علم‌الهدی، محمد مهدی اسدی
 اصول اساسی بیمه و نتایج آن بر قصد اضرار
 محمد کمالی، محمدعلی جهانی، حمیدرضا سلیمی
 واکاوی علل بزهکاری اطفال و نوجوانان در حقوق کیفری ایران
 سیداحمد پیروندیزی، امیررضا محمودی
 بررسی اعتبار و قابلیت استناد ابزارهای ارتباطی نوین در فرایند اثبات جرم در نظام حقوقی ایران
 علیرضا باقری حسن‌آبادی
 مسئولیت کیفری سردفتران اسناد رسمی: تحلیل چالش‌های قانونی و راهکارهای پیشگیرانه در نظام ثبتی ایران
 ایوب رحیمی
 مفهوم منفعت عمومی در پرتو فایده‌گرایی جان استوارت میل و مقایسه آن با اندیشه جرمی بنتام
 احمدرضا سلطانیان
 مسئولیت مدنی در قبال ربات‌ها و هوش مصنوعی: چالش‌ها و راهکارهای حقوقی در عصر فناوری‌های نوین
 جیران ابراهیمی
 سیاست‌گذاری حمایت مدار در قبال بزه دیدگی زنان در خانواده با تأکید بر تحولات جدید
 محبوبه طالبی رستمی
 تأثیر روانشناسی جنایی در ارتکاب جرم در حقوق ایران و فرانسه
 وحید کیومرثی
 مسئولیت دولت‌ها در قبال نقض حقوق بشر توسط شرکت‌های امنیتی خصوصی در مأموریت‌های خارجی
 مهدی قره‌داغی، مسعود سرفرازی صالح
 مطالعه فقهی و حقوقی شرط بازگشت موقوفه به ملک واقف
 حبیب‌الله عبدالله پور، حمیدرضا نام‌آور
 تحلیلی بر جنایت‌های محیط زیستی تجاوز ایالات متحده آمریکا و رژیم اسرائیل علیه جمهوری اسلامی ایران
 جواد چراغی
 تحلیل حقوقی نقش مشاوران املاک در حفظ حقوق مالکیت زمین و چالش‌های اجرایی آن در ایران
 محمد احمدی
 مقابله دادگاه کیفری بین‌المللی با گسترش جنایت داعش
 جواد دشتیان
 قابل استناد بودن کنوانسیون نیویورک در داوری تجاری بین‌المللی ایران و موافقتنامه داوری با تأکید بر مفهوم تجاری
 علی باباپور همراهلو، پویا بنی‌هاشم
 مالکیت و بهره‌برداری از آب‌ها در نظام حقوقی ایران
 احمد پدیدار، یاسر صیادپور
 حق فراموش شدن و آثار آن بر روابط قراردادی در بلاکچین‌های عمومی: تحلیل تطبیقی حریم خصوصی داده‌ها در حقوق ایران و اروپا
 عارفه قاسم زاده ده‌آبادی
 بررسی ماهیت حقوقی قرارداد ساخت، اجاره و انتقال (بی.ال.تی.)
 علی زارعی جلال‌آبادی
 نقش وکیل در تحقیقات مقدماتی در قانون آیین دادرسی کیفری
 علیرضا درائی
 شناسایی و اولویت‌بندی عوامل سیاسی-اجتماعی موثر بر تکی‌گری در زاهدان
 محمدکمال دادرسی
 مسئولیت مدنی دولت نسبت به خسارات ناشی از اطلاع دادرسی
 علی فراحی
 تأثیر سیاست‌گذاری‌های اقتصادی دولت‌ها بر آزادی قراردادی در بازارهای خصوصی
 رامهر رحمانی گل‌افشان
 مروری تاریخی بر جرم‌انگاری در قبال جرائم نیروهای مسلح
 یاسر شاکری



The Validity of the New York Convention in Iran's International Commercial Arbitration and the Arbitration Agreement with an Emphasis on the Commercial Concept

Ali Babapour Hamrahloo

Master of Science in Private Law, Islamic Azad University, Tabriz Branch, Tabriz, Iran (Corresponding Author)

Pouya Banihashem

Master of Science in Private Law, Islamic Azad University, Tabriz Branch, Tabriz, Iran

قابل استناد بودن کنوانسیون نیویورک در داوری تجاری بین‌المللی ایران و موافقتنامه داوری با تأکید بر مفهوم تجاری

علی باباپور همراهلو

کارشناس ارشد حقوق خصوصی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز، تبریز، ایران (نویسنده مسئول)

babapourali2311378@gmail.com
<http://orcid.org/0009-0007-9055-489x>

پویا بنی هاشم

کارشناس ارشد حقوق خصوصی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز، تبریز، ایران
pouya2000.banihashem@gmail.com

Abstract

New York Convention is the cornerstone of international arbitration strength and the most important legal tool in International Commercial Arbitration. Creating a multiple atmosphere will be exerted on the strength of Commercial Condition under Clause 3 of Article 1 stating that every government will be considered commercial against contracting countries concerning the disputes arising from legal relations, contractual or non-contractual, in conformity to the internal laws of the declaring government. This article will examine the implementation regime of the convention despite the trade restriction clause and the problems that arise from it and provide solutions that can prevent the impact on arbitration in Iran and increase its power of influence. In an attempt to investigate the attributability of New York Convention in Iranian domestic law in order to elaborate on the power of the convention in realizing its objectives, this paper strives to study the original resources, Laws of New York Convention and Iranian International Commercial Arbitration through library research and analytical methods.

Keywords: Arbitration, Commercial Condition, Legal Relations, New York Convention, Arbitration Agreement.

چکیده

کنوانسیون نیویورک سنگ بنای استحکام داوری بین‌المللی و مهم‌ترین ابزار حقوقی در زمینه داوری تجاری بین‌المللی است. در پی وجود شرط تجاری در بند سوم ماده یک که به موجب آن هر دولتی در مقابل کشورهای متعاقد در خصوص اختلافات ناشی از روابط حقوقی اعم از قراردادی یا غیرقراردادی که به موجب قوانین داخلی دولت اعلام‌کننده، تجاری تلقی شده باشد اعمال خواهد شد؛ فضای چندگانه‌ای را به وجود آورده است. این پژوهش جهت بررسی رژیم اجرایی کنوانسیون با وجود شرط تحدید تجاری و مشکلات به‌وجود آمده از آن را بررسی و به ارائه راهکارهایی که می‌توان از ضربه به داوری در ایران جلوگیری نمود و قدرت نفوذ آن را افزایش داد خواهد پرداخت. پژوهش حاضر به روش توصیفی-تحلیلی و بررسی تحلیلی از طریق مراجعه به منابع دست اول و با اتکاء به قوانین کنوانسیون نیویورک و قانون داوری تجاری بین‌المللی ایران با هدف بررسی قابل استناد بودن کنوانسیون مذکور در حقوق داخلی ایران است تا توانمندی کنوانسیون در رسیدن به اهدافش را آشکار سازد.

واژگان کلیدی: داوری، روابط حقوقی، شرط تجاری، کنوانسیون نیویورک، موافقتنامه داوری.

ارجاع:

باباپور همراهلو، علی؛ بنی هاشم، پویا؛ (۱۴۰۴)، قابل استناد بودن کنوانسیون نیویورک در داوری تجاری بین‌المللی ایران و موافقتنامه داوری با تأکید بر مفهوم تجاری، تمدن حقوقی، شماره ۲۵.

Copyrights:

Copyright for this article is retained by the author (s) , with publication rights granted to Legal Civilization. This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>) , which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited.



CC BY-NC-SA



مقدمه

قابل استناد بودن کنوانسیون نیویورک در قانون داوری تجاری بین‌المللی ایران امری کاربردی و موضوعی مهم است. در خصوص شرط رزرو تجاری بودن و ایجاد فضای چندگانه در بین کشورهای متعاقد در مورد اختلافات ناشی از روابط حقوقی اعم از قراردادی یا غیرقراردادی که به موجب قوانین داخلی دولت اعلام‌کننده تجاری تلقی شده، این موضوع از دیدگاه‌های مختلف در مواد متفاوت کنوانسیون بررسی شده است؛ اما به ندرت از دیدگاه تجاری واکاوی شده است.

وصف تجاری باید بر پایه حقوق داخلی کشور شرط‌کننده لحاظ شود. همین قید باعث می‌شود که محدوده اعمال کنوانسیون به شدت کاهش پیدا کند، لذا اکثر کشورهایی که از این شرط رزرو در ابتدا استفاده کرده بودند با پی بردن به این مشکل از شرط رزرو عدول کردند که هر یک با یک مبنا و اصولی، تجاری بودن را تفسیر کردند. برخی دولت‌ها با تسری دادن مفهوم تجاری به قانون داخلی خود دامنه مفهوم تجاری را کاهش دادند و در مقابل برخی دولت‌ها با مراجعه به قانون نمونه آنسیترال دامنه مفهوم تجاری را گسترش دادند.

در این پژوهش سعی بر بررسی قابل استناد بودن کنوانسیون نیویورک در داوری تجاری بین‌المللی ایران و شناسایی مزایا و موانع اجرای آن و ارائه راه‌حل برای جلوگیری از ضربه به داوری در کشور ایران است.

۱- تبیین کنوانسیون نیویورک

کنوانسیون شناسایی و اجرای آرای داوری خارجی نیویورک مصوب ۱۹۵۸ میلادی به‌عنوان موفق‌ترین سند چندجانبه در حوزه حقوق تجارت بین‌الملل به منظور افزایش کارآمدی نهاد داوری تهیه گردیده است که شامل قواعدی در مورد نحوه و چگونگی اجرای آرای داوری است (مافی و اسحقی، ۱۴۰۲، ۱۵۵). با مطالعه موردی می‌توان گفت که بعد از جنگ جهانی دوم تجارت بین‌المللی گسترش زیادی پیدا کرد و اتاق بازرگانی بین‌المللی درصدد برآمد برای حل مشکلات داوری بین‌المللی کنوانسیونی را تدارک ببیند. در ادامه کار اتاق بازرگانی بین‌المللی در سال ۱۹۵۳ میلادی پیش‌نویس کنوانسیونی را با عنوان اجرای احکام داوری بین‌المللی تهیه نمود. در این پیش‌نویس هدف افزایش کارآمدی تجارت بین‌المللی با دو منظور است: تضمین اجرای آسان آرای داوری و ارزش فوق‌العاده قائل شدن برای اراده طرفین.

کنوانسیون نیویورک مشتمل بر قاعده ماهوی یکسانی در زمینه شکل موافقتنامه‌های داوری است. بند اول ماده دوم الزام می‌دارد موافقتنامه‌های داوری به شکل کتبی باشد. طبق تعریف بند دوم ماده دوم، این قاعده موافقتنامه‌هایی را شامل می‌شود که به وسیله طرفین امضاء شده یا در تبادلنامه‌ها یا در تلگرام‌ها گنجانده شده باشد. تدوین‌کنندگان این کنوانسیون به حدی به آزادی اراده طرفین اهمیت دادند که در نتیجه پیش‌نویس کنوانسیون آن‌ها، در واقع ایجاد داوری فراملی بود. پیش‌نویس اتاق به سازمان ملل متحد ارائه شد و سازمان بررسی موضوع را به شورای اقتصادی و اجتماعی خود واگذار کرد و این شورا پیش‌نویس را فراهم نمود که تقریباً مشابه کنوانسیون‌های ژنو بود و فاصله زیادی از پیش‌نویس اتاق بازرگانی داشت.

با مطالعه تاریخچه کنوانسیون مشاهده می‌گردد که در سال ۱۹۵۸ میلادی کنوانسیونی در نیویورک برای بررسی این دو پیش‌نویس تشکیل شد و نتیجه این کنوانسیون، متن فعلی کنوانسیون ناظر به شناسایی و اجرای آرای داوری خارجی معروف به کنوانسیون نیویورک است که تلفیقی از دو پیش‌نویس اتاق بازرگانی و شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل متحد است. تأثیر این کنوانسیون در داوری بین‌المللی را می‌توان چنین گفت که این کنوانسیون عامل مهم و شتاب‌دهنده در داوری بین‌المللی محسوب می‌شود و این امر منجر به موفقیت عملی کنوانسیون شده و این موفقیت در سه عامل به‌خوبی آشکار می‌گردد.

اول- بیش از یکصد و چهل و شش کشور عضو این کنوانسیون می‌باشند و نکته جالب این که از تمام نظام‌های حقوقی این کنوانسیون پذیرش گرفته است. دوم- دادگاه‌های ملی در تفسیر و اجرای مقررات کنوانسیون نیویورک بیش از آن که به مقررات داخلی توجه کنند به تصمیمات داوری خارجی توجه می‌کنند و در نتیجه عامل مهمی در خصوص وحدت رویه قضایی در مورد داوری محسوب می‌شود. سوم- با توجه به مقررات کنوانسیون و عملکرد دادگاه‌های امروزه عموماً قابل پیش‌بینی است که رای داوری خارجی در تمام کشورهای عضو کنوانسیون اجرا خواهد شد؛ این امر دغدغه مهم اجرای آرای داوری را از بین برده است.

با این همه دو نکته و در واقع دو هشدار را نباید در مورد کنوانسیون نیویورک از یاد برد: اول این که هنوز تعداد متناهی از کشورها کنوانسیون نیویورک را امضاء نکرده‌اند که تا مدتی پیش ایران نیز از جمله آن‌ها بوده است. حقوقدانانی که با مسائل عملی سروکار دارند، این کشورها را داخل در خط قرمز دانسته و در مورد فعالیت‌های تجاری بین‌المللی در آن کشورها هشدار می‌دهند. دوم برخی کشورها مانند السالوادر و پاکستان کنوانسیون را امضاء کرده‌اند ولی هنوز آن را به تصویب نرسانده‌اند. اگرچه همیشه تصویب صرف نیز برای اعمال کنوانسیون کافی نیست و در صورت لزوم باید کنوانسیون با رعایت مقررات نظام حقوقی کشور تصویب‌کننده به اجرا در آید (جنیدی، ۱۳۹۰، ۸۷).

۱-۱- تعهدات ناشی از کنوانسیون نیویورک

الحاق و پیوستن به کنوانسیون نیویورک دو تعهد کلی را درباره داوری و آرای آن به کشورهای عضو تحمیل می‌کند: احترام به توافق طرفین مبنی بر ارجاع اختلافات خود به داوری و لزوم‌شناسایی و اجرای آرای داوری.

۱-۱-۱- احترام به موافقتنامه داوری

بند اول ماده دوم کنوانسیون نیویورک درباره احترام به موافقتنامه داوری چنین مقرر می‌دارد که هر دولت متعهد موافقتنامه‌ای کتبی را که به موجب آن طرفین متعهد می‌شوند که کلیه اختلافات یا هر اختلاف موجود یا محتمل الوقوع بین خود را که مربوط به رابطه حقوقی مشخص اعم از این که قراردادی باشد یا نباشد و مربوط به

موضوعی باشد که از طریق داوری قابل حل و فصل باشد به داوری ارجاع‌کننده‌شناسایی خواهد کرد. احترام به موافقتنامه داوری مستلزم سلب صلاحیت دادگاه‌های آن کشور از رسیدگی به اختلاف موضوع موافقتنامه داوری است. این امر در بند سوم ماده دوم کنوانسیون چنین مقرر شده است: دادگاه یک دولت متعاقد در هنگام رسیدگی به دعوی دربارۀ موضوعی که طرف‌ها در مورد آن موافقتنامه‌ای را در مفهوم این ماده منعقد کرده باشند، بنا به تقاضای یکی از طرف‌ها، آن‌ها را به داوری ارجاع خواهد داد مگر این که رأی دهد که آن موافقتنامه باطل و کان لم یکن بی اعتبار یا غیرقابل اجرا است (شیروی، ۱۴۰۳، ۳۲۶).

۲-۱-۱- لزوم شناسایی و اجرای آرای داوری

الحاق به کنوانسیون نیویورک کشورهای متعاقد را موظف می‌کند که آرای داوری بین‌المللی را به‌عنوان آرای الزام‌آور مورد شناسایی قرار دهند و نسبت به اجرای آن در قلمرو کشور خود اقدام نمایند. طبق ماده سوم کنوانسیون نیویورک، هر دولت متعاقد احکام داوری را طبق آیین دادرسی سرزمینی که حکم به آن مستند است و تحت شرایط مندرج در مواد زیر به‌عنوان لازم‌الاتباع شناسایی و آن‌ها را اجرا خواهد نمود (شیروی، ۱۴۰۳، ۳۲۸).

۲-۱-۲ موافقتنامه داوری

موافقتنامه داوری، شالوده و بنیان تقریباً هر نوع داوری است؛ هیچ داوری نمی‌تواند میان طرف‌هایی که توافق نکرده‌اند اختلافات خود را به داوری ارجاع دهند وجود داشته باشد. ماهیت قراردادی داوری، مستلزم رضایت هریک از طرفین است تا داوری محقق شود. دادگاه‌های دولتی صلاحیت خود را یا از مقررات قانونی یا از موافقتنامه صلاحیت‌آخذ می‌کنند. در مقابل، صلاحیت دیوان داوری فقط بر توافق میان دو یا چند طرف به ارجاع اختلافات موجود یا آتی خود به داوری استوار است (دی‌ام‌لیو، ۱۳۹۱، ۱۲۱).

۲-۱-۱- مفهوم و اهمیت موافقتنامه داوری

بند ج ماده اول قانون داوری تجاری بین‌المللی ایران مقرر می‌دارد داوری توافقی است بین طرفین که به موجب آن تمام یا بعضی از اختلافاتی که در مورد یک یا چند رابطه حقوقی معین اعم از قراردادی یا غیرقراردادی به وجود آمده یا ممکن است پیش آید، به داوری ارجاع می‌شود. موافقتنامه داوری ممکن

است به صورت شرط داوری در قرارداد و یا به صورت قراردادی جداگانه باشد؛ این تعریف ماده هفت قانون نمونه آنسیترال نیز محسوب می‌شود.

با توجه به این تعریف چهار نکته قابل توجه است: اول- حسب این تعریف، موضوع موافقتنامه ممکن است راجع به امر قراردادی یا غیرقراردادی باشد. دوم- طبق این ماده، داوری ممکن است هم ناظر به اختلاف موجود و هم راجع به اختلافات آینده باشد. سوم- موافقتنامه داوری ممکن است به صورت شرط داوری ضمن قرارداد اصلی باشد یا ممکن است به صورت قرارداد جداگانه از قرارداد اصلی باشد. چهارم- حسب این تعریف، صراحتاً به کتبی بودن قرارداد داوری اشاره‌ای نشده است، اما با عنایت به مفهوم نامه به‌عنوان پسوند کلمه موافقتنامه در زبان فارسی در می‌یابیم که موافقتنامه باید کتبی باشد.

قانون حاکم بر ابعاد گوناگون موافقتنامه داوری اغلب بستگی به قواعد مندرج در کنوانسیون‌های بین‌المللی دارد؛ کنوانسیون نیویورک در درجه اول به‌شناسایی و اجرای احکام مربوط می‌شود. بنابراین، کنوانسیون نیویورک قلمرو شمول خود را فقط در مورد احکام تعریف می‌کند و معیار ویژه‌ایی ارائه نمی‌کند که کدام موافقتنامه‌های داوری تحت شمول کنوانسیون قرار می‌گیرند.

۲-۱-۲- تعیین قلمرو موافقتنامه

در شق ج بند اول ماده پنجم کنوانسیون نیویورک مقرر شده است که داوران صلاحیت رسیدگی و تصمیم‌گیری در خصوص موضوعاتی را دارند که از سوی طرفین داوری به ایشان محول گردیده است (مافی و اسحق، ۱۴۰۲، ۱۵۹).

به‌طورکلی و با دقت در مواد قانونی، دو رویکرد متفاوت برای تعیین قلمرو کنوانسیون نیویورک در خصوص موافقتنامه داوری اتخاذ شده است: اول- ماده دوم این کنوانسیون فقط در مورد آن دسته از موافقتنامه‌های داوری اعمال می‌شود که احتمالاً به حکم داوری مشمول کنوانسیون منتهی گردد. دوم- وجود هر عنصر بین‌المللی کفایت می‌کند تا موافقتنامه داوری تحت شمول کنوانسیون نیویورک در آید. در هر موافقتنامه داوری که حائز شرط شکلی بند دوم ماده دوم کنوانسیون نیویورک باشد باید در محاکم دولت متعاقد به اجرا در آید؛ قطع نظر از شرایط سخت شکلی قانون ملی داوری، دولت متعاقد به هنگام امضای کنوانسیون نیویورک باید اعلام کرده باشد که کنوانسیون را فقط در مورد معاملات تجاری اعمال خواهد کرد.

۱-۳- رژیم اجرای آسان کنوانسیون نیویورک

در دعاوی بین‌المللی و به‌طور خاص در دعاوی تجاری بین‌المللی بحث تعیین قواعد حاکم بر داوری از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است (رستمی، زمانی، توسلی، ۱۳۹۷، ۱۳۷). استناد به قواعد فراملی در داوری‌های تجاری بین‌المللی چنان گسترده و رایج شده است که این قواعد را به یکی از منابع معتبر حقوق تجارت بین‌الملل تبدیل کرده است (رستمی و همکاران، ۱۳۹۷، ۱۴۰).

در داوری‌های بین‌المللی حسب کنوانسیون‌هایی که وجود دارد به خصوص کنوانسیون نیویورک مصوب ۱۹۵۸ میلادی، رژیم آسان‌تری برای شناسایی و اجرای آرای داوری بین‌المللی در نظر گرفته شده و گرایش دادگاه‌ها، امروزه پذیرش اجرای آرای داوری بین‌المللی است و دادگاه‌ها سعی می‌کنند در این خصوص مانع تراشی نکنند اما در مقابل، عملکرد دادگاه‌ها نسبت به اجرای آرای داوری داخلی سختگیرانه و با پیش فرض عدم اجرا است. آرای محاکم خارجی در کشورهای دیگر به سختی قابل اجرا است و در واقع اصل بر این است که آرای محاکم در کشورهای دیگر قابل اجرا نیست مگر با شرایط سخت و دشوار، ولی در آرای داوری بین‌المللی عملاً اصل بر اجرا محسوب می‌شود. عمده دلیل این اصل این است که بیش از یکصد و چهل کشور، کنوانسیون‌شناسایی و اجرای آرای خارجی نیویورک مصوب ۱۹۵۸ میلادی را تصویب نموده و یا به آن ملحق شده‌اند؛ در نتیجه بیش از یکصد و چهل کشور قبول کردند که آرای داوری بین‌المللی را اجرا نمایند.

یکی از نیازهای کلی برای شناسایی و اجرای آرای داوری بین‌المللی در کشورهای عضو کنوانسیون نیویورک مصوب ۱۹۵۸ میلادی آن است که رای مذکور در کشور محل صدور بر حسب مورد نهایی یا لازم‌الاجرا شده باشد. ساده‌ترین اثر رای قطعی بودن آن است که هیچ دادگاهی حق رسیدگی ماهوی دوباره در موضوع‌های تصمیم‌گیری شده در رای داوری بین‌المللی را ندارد. قانون داوری تجاری بین‌المللی مصوب ۱۳۷۶ این قبیل مداخلات برای تجدیدنظر را نپذیرفته است. کنوانسیون نیویورک مصوب ۱۹۵۸ میلادی اخذ دستور اجرا برای یک بار و آن هم در محل اجرا را کافی می‌داند (امیرمعزی، ۱۴۰۱، ۲۶۰). حال با توجه به حق شرط یا رزرو بند سوم ماده اول این کنوانسیون ملاحظه می‌شود که برخی از آرا داوری قابلیت اجرا را ندارند.

۲- تبیین داوری

داوری^۱ در لغت به معنای قضاوت، حکمیت، محاکمه، حکومت و حکم است (دهخدا، ۱۳۷۷). بند الف ماده اول قانون داوری تجاری بین‌المللی مصوب ۱۳۷۶ داوری را چنین تعریف می‌کند که داوری عبارت است از رفع اختلاف بین متداعیین در خارج از دادگاه به وسیله شخص یا اشخاص حقیقی یا حقوقی مرضی‌الطرفین و یا انتصابی. ایرادی که بر تعریف ماده مذکور وارد شده این است که در این تعریف بر جنبه قراردادی داوری تأکید نشده است و اکثر حقوقدانان تعریف پروفیسور رنه داوید را در این خصوص کامل‌تر تشخیص داده‌اند؛ ایشان داوری را چنین تعریف می‌کند که «داوری ابزاری است که به وسیله آن حل یک مسئله مورد علاقه دو یا چند شخص به یک یا چند شخص دیگر (داور یا داوران) سپرده می‌شود که اختیارات خود را از توافق خصوصی و نه از مقامات یک دولت می‌گیرند و قرار است بر اساس چنین توافقی به موضوع رسیدگی کرده و درباره آن تصمیم بگیرند» (David, 1983, 5).

در میان حقوقدانان داخلی نیز دکتر جعفری لنگرودی تعریف داوری را مختصراً به فصل خصومت توسط غیرقاضی و بدون رعایت تشریفات رسیدگی دعاوی بیان نموده‌اند (جعفری لنگرودی، ۱۴۰۴، ۲۹۴). در داوری‌های داخلی تعریفی که بند الف ماده اول قانون داوری تجاری بین‌المللی مصوب ۱۳۷۶ ارائه کرده است فاقد ایراد است چرا که در داوری داخلی ممکن است داور انتخابی یا انتصابی باشد و همچنین ممکن است قراردادی و اجباری باشد هرچند خصیصه اصلی داوری، قراردادی بودن آن است و اجباری بودن داوری خلاف اصل است؛ لیکن در صحنه بین‌المللی امکان تصور این که داوری اجباری باشد وجود ندارد و همیشه منشاء داوری قراردادی است. بنابراین، از این حیث در صحنه بین‌المللی به نظر می‌رسد تعریف پروفیسور رنه داوید درخصوص داوری مناسب‌تر خواهد بود.

داوری، قراردادی خصوصی است و طرفین می‌توانند شرایط ویژه‌ای را برای حل و فصل اختلافات خود در نظر بگیرند. تجار برای حفظ اسرار تجاری و حل و فصل اختلافات تمایلی به رجوع به مراجع عمومی و داگستری نداشته و متوسل به داوری و خصوصاً داوری بین‌المللی می‌شوند (زارع و ابراهیمی رامندی، ۱۳۹۷، ۸۸). با وجود تأثیر دوسویه حقوق داخلی و حقوق بین‌المللی بر یکدیگر، در مجادله بر سر

این که کدام یک از این دو نظام برتری دارند، در گذشته دادگاه‌های بین‌المللی و منطقه‌ای کفه ترازو را به سود طرفداران حقوق بین‌الملل سنگین‌تر کرده‌اند. امروزه با توجه به اهمیت موازین بین‌المللی، تعامل بین نظام‌های حقوقی بین‌المللی و داخلی تحت تاثیر ساختار عمیقی قرار دارد (سلیمی و عیسیان، ۱۴۰۲، ۱۵۶۳). تصویب بسیاری از کنوانسیون‌های بین‌المللی توسط قوه مقننه ایران مشروط به رعایت اصل یکصد و سی و نهم قانون اساسی شده است که یکی از مهم‌ترین آن‌ها، کنوانسیون نیویورک است. به موجب تبصره بند دوم ماده واحده الحاق ایران به کنوانسیون مزبور، رعایت اصل یکصد و سی و نهم قانون اساسی در خصوص ارجاع به داوری الزامی است (ملاابراهیمی و ارفع‌نیا، ۱۳۹۸، ۴۶۲).

۲-۱- مقایسه داوری بین‌المللی عمومی^۲ با داوری تجاری بین‌المللی^۳

داوری به‌عنوان یکی از روش‌های حل و فصل اختلافات در عرصه داخلی و بین‌المللی است که مبتنی بر توافقنامه داوری است. طرفین در داوری به‌صورت آزادانه در خصوص موضوعات داوری تصمیم‌گیری می‌کنند بدون آن که مکلف به پیروی از قواعد شکلی باشند (رستمی و همکاران، ۱۳۹۷، ۱۳۴). امروزه به دلیل اهمیت و توجهی که جامعه جهانی به بخش تجارت بین‌الملل دارد و همچنین نسبت به عوامل دیگر توسعه، تاثیر بیشتری که بر توسعه اقتصادی در سطح داخلی و بین‌المللی دارد و روند گسترش آن را سرعت می‌بخشد، بیشتر مورد توجه قرار می‌گیرد (امیری و همکاران، ۱۳۹۸، ۱۹۹).

در گذشته تعداد داوری‌های بین‌المللی عمومی بیشتر از داوری‌های تجاری بین‌المللی بوده است. لیکن، امروزه دولت‌ها ترجیح می‌دهند به جای این که به داوری بین‌الملل عمومی اختلافات شان را ارجاع دهند و آن را حل و فصل نمایند؛ اختلافات خود را در سازمان‌های بین‌المللی همچون دیوان دادگستری بین‌المللی فیصله بدهند. هرچند این نوع داوری رو به افول است؛ اما مشاهده می‌گردد که بعد از جنگ جهانی دوم و گسترش تجارت بین‌الملل روز به روز تمایل به داوری تجاری بین‌المللی افزوده می‌شود و تجار ترجیح می‌دهند تا حد امکان به دادگاه ملی مراجعه نکنند و به ندرت در قرارداد تجاری بین‌المللی ملاحظه می‌شود که فاقد موافقتنامه داوری باشد.

2- General International Arbitration

3- International Commercial Arbitration

۲-۲- تفاوت‌های داوری تجاری بین‌المللی با داوری بین‌المللی عمومی

در مجموع و با استناد به مجموع قوانین بین‌المللی و داخلی می‌توان تفاوت داوری تجاری بین‌المللی را با داوری بین‌المللی عمومی به شرح ذیل برشمرد.

اول- از حیث طرفین اختلاف: در داوری بین‌المللی طرفین اختلاف دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی می‌باشد و افراد حقیقی مراجعه به داوری بین‌المللی عمومی را ندارند. لیکن در داوری تجاری بین‌المللی طرفین اشخاص حقوق خصوصی هستند.

دوم- از حیث موضوع اختلاف: در داوری بین‌المللی عمومی موضوع اختلاف امری است مربوط به حاکمیت دولت‌ها مثل اختلافات سرزمینی لیکن در داوری تجاری بین‌المللی موضوع اختلاف مربوط به حقوق خصوصی علی‌الخصوص امور تجاری است.

سوم- از حیث اجرا: آرای که در مراجع داوری بین‌المللی صادر می‌شود هرچند برای طرفین الزام‌آور است لیکن به لحاظ فقدان قوه قهریه علیه دولت‌ها امکان اجرا بدون تمایل کشور محکوم‌علیه را ندارد. لیکن، در فرض استتکاف محکوم علیه رای داوری تجاری بین‌المللی امکان اجرای آن از طریق دادگاه‌های ملی وجود دارد.

چهارم- از حیث قانون حاکم: از این حیث بین این دو نوع داوری تشابه وجود دارد مبنی بر این که در هر دو، طرفین اختلاف می‌توانند قانون حاکم بر اختلاف را انتخاب کنند، لیکن در فرض سکوت طرفین در حقوق بین‌المللی عمومی انصاف اصول کلی حقوق بین‌الملل، تعهدات و معاهدات بین‌المللی و رویه قضایی مراجع بین‌المللی ملاک خواهد بود، لیکن در داوری تجاری بین‌المللی در نهایت قانون داخلی یک کشور اعمال خواهد شد.

۳- تبیین مفهوم تجاری

در حقوق بین‌الملل به خصوص در مراجع داوری بین‌المللی سرمایه‌گذاری، اصول حقوقی متعددی برای تفسیر معاهدات و داوری در سرمایه‌گذاری به کار رفته است. شیوه به‌کارگیری اسناد و رویه‌های مرتبط با یک معاهده و نیز قواعد بین‌المللی مرتبط با آن، در کنوانسیون ۱۹۶۹ میلادی وین در خصوص معاهدات

تصریح شده است (میرعباسی و قاسم‌زاده مسلبه، ۱۳۹۹، ۵۸۶). امروزه تجارت با داوری رابطه نزدیکی دارد و خیلی از تجار و شرکت‌های تجاری ترجیح می‌دهند که اختلافات خود را از طریق داوری حل و فصل کنند. به این جهت بسیاری از سازمان‌های داوری در داخل اتاق‌های بازرگانی متولد شده‌اند، مثل دیوان بین‌المللی داوری اتاق بازرگانی بین‌المللی^۴ که به اتاق بازرگانی بین‌المللی^۵ وابسته است و در دل آن توسعه یافته است. در ایران نیز یکی از وظایف و اختیارات اتاق بازرگانی و صنایع و معادن جمهوری اسلامی ایران تلاش در جهت بررسی و حکمیت در مورد مسائل بازرگانی داخلی و خارجی اعضاء و سایر متقاضیان از طریق تشکیل مرکز داوری اتاق ایران طبق اساسنامه‌ای که از سوی دستگاه قضایی تهیه و به تصویب مجلس شورای اسلامی خواهد رسید می‌باشد.

از طرفی، قانون داوری تجاری بین‌المللی ایران تنها ناظر به داوری تجاری است و داوری‌های غیرتجاری از شمول این قانون خارج می‌باشند. همچنین به موجب بند سوم ماده اول کنوانسیون نیویورک مصوب ۱۹۵۸ میلادی، دولت‌ها مجاز شده‌اند که در زمان امضاء، تصویب یا الحاق به کنوانسیون و یا هنگام تعیین قلمرو شمول آن، اعلام نمایند که کنوانسیون را تنها در مورد اختلافات مربوط به روابط حقوقی تجاری اعم از قراردادی و غیرقراردادی اعمال می‌نمایند. جمهوری اسلامی ایران نیز به موجب بند اول ماده واحده قانون الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون مزبور، همانند برخی از کشورهای متعلق به حقوق رومی-ژرمنی، شمول کنوانسیون را به اختلافات ناشی از روابط حقوقی قراردادی یا غیرقراردادی که حسب قوانین جمهوری اسلامی ایران تجاری محسوب می‌شوند، محدود کرده است. بنابراین، تمایز بین داوری تجاری و غیرتجاری هم از نقطه نظر قانون داوری تجاری بین‌المللی مصوب ۱۳۷۶ و هم از نقطه نظر اجرای کنوانسیون نیویورک برای کشورهایی که اعلامیه مزبور را صادر کرده‌اند مثل ایران حائز اهمیت است (شیروی، ۱۴۰۳، ۲۹).

4- The ICC International Court of Arbitration

5- International Chamber of Commerce (ICC)

۳-۱- مفهوم تجاری در قانون نمونه آنسیترال^۶

قانون داوری تجاری بین‌المللی مصوب ۱۳۷۶ مقتبس از، قانون نمونه آنسیترال می‌باشد. تنها سند بین‌المللی که به تعریف تجاری اقدام نموده است قانون نمونه آنسیترال می‌باشد؛ لیکن این قانون اصطلاح تجاری را در مواد قانونی‌اش ذکر نکرده است بلکه این موضوع را در پاورقی دوم بند اول ماده اول انجام داده است. با این وجود که این تعریف در پاورقی آمده است جزو قانون نمونه محسوب می‌شود؛ بر اساس این پاورقی قانون نمونه مقرر می‌دارد: «اصطلاح تجاری بایستی در مفهوم وسیع آن تفسیر شود، به نحوی که موضوعات ناشی از هرگونه رابطه را که دارای ماهیت تجاری است، اعم از قراردادی یا غیرقراردادی شامل شود؛ منظور از روابط دارای ماهیت تجاری، بدون قید انحصار، عبارت است از تهیه یا مبادله کالا یا خدمات، قرارداد توزیع، نمایندگی یا کارگزاری، حق العمل‌کاری، اجاره به شرط تملیک، ساختمان پروژه‌ها، مشاوره، مهندسی، پروانه امتیاز، سرمایه‌گذاری، تأمین اعتبار، بانک‌داری بیمه، قرارداد بهره‌برداری یا امتیاز انحصاری یا مشارکت مدنی و انواع دیگر همکاری صنعتی یا تجاری، حمل و نقل کالا یا مسافر از طریق هوا، دریا، راه آهن یا جاده».

۳-۲- مفهوم تجاری در قواعد داوری

تعداد کمی از قواعد داوی به تعریف اختلافات تجاری یا معاملات تجاری می‌پردازند. علت و فلسفه این تصمیم در این اصل نهفته است که پذیرش هر اختلافی که طرف‌ها تمایل دارند به نهاد داوری ارجاع دهند ممکن شود. تعریف اصطلاح تجاری را می‌توان در ماده دوم قواعد کمیسیون داوری اقتصادی و تجاری بین‌المللی چین یافت.

اختلافات تجاری که بر اساس ماده دو قواعد سال ۲۰۰۱ میلادی این کمیسیون قابل حل است شامل اختلافات میان بنگاه‌داری سرمایه‌گذاری خارجی و دیگر شخص حقیقی یا حقوقی چینی، سازمان اقتصادی یا ناشی از تأمین مالی پروژه، دعوت به مناقصه، مزایده، ساخت و ساز و دیگر فعالیت‌های صورت گرفته توسط اشخاص حقوقی یا حقیقی چینی و یا سایر سازمان‌های اقتصادی از طریق به کارگیری سرمایه،

فناوری یا خدمات از کشورهای خارجی، سازمان‌های بین‌المللی یا از مناطق هنگ کنگ، ماکائو و تایوان است. این قواعد تلاش دارد مفهوم داوری بین‌المللی را با تجاری درآمیزد و بیشترین قلمرو شمول را فراهم آورد. در اکثر موارد، بین‌المللی مترادف با تجاری به کار رفته است (دی‌ام‌لیو، ۱۳۹۱، ۸۰).

۳-۳- مفهوم تجاری در کنوانسیون نیویورک مصوب ۱۹۵۸ میلادی

این کنوانسیون در بند سوم ماده اول اجازه می‌دهد بین داوری تجاری و غیرتجاری تفکیک شود که این بند در بین حقوقدانان معروف است به رزرو تجاری یا شرط تحدید و مقرر می‌دارد هر دولتی به هنگام امضاء، تصویب یا الحاق به کنوانسیون حاضر و یا در موقع تعیین قلمرو نفوذ این کنوانسیون، طبق ماده دهم همین کنوانسیون هر دولتی می‌تواند بر مبنای معامله متقابل اعلام نماید که منحصرأ احکامی رانشناسایی و اجرا خواهد کرد که در قلمرو دول متعاقد صادر شود؛ همچنین می‌تواند اعلام دارد که این کنوانسیون را منحصرأ بر اختلافات ناشی از روابط حقوقی اعم از قراردادی یا غیرقراردادی که بر اساس قانون داخلی کشور شرط‌کننده تجاری محسوب شود اعمال خواهد کرد.

به نظر می‌رسد علت درج حق رزرو در این کنوانسیون این بوده است که اکثر کشورهایی که تابع نظام رومی-ژرمنی بودند معتقدند که مقررات داوری بین‌المللی فقط در امور تجاری قابل استفاده است و در امور غیرتجاری، داوری بین‌المللی در این کشورها مقبولیت ندارد و انتظار می‌رفت اگر این شرط در کنوانسیون نباشد بسیاری از کشورهای مزبور از پذیرش کنوانسیون خودداری کنند و بر این اساس هم اکثر کشورهای عضو کنوانسیون از شرط رزرو استفاده کرده‌اند. اقلیتی از کشورهای عضو کنوانسیون نیویورک از این حق رزرو استفاده نکرده‌اند و بنابراین مقررات کنوانسیون برای اجرای آرای داوری بین‌المللی در این کشورها مورد استناد قرار می‌گیرد. از این رو، در این کشورها فرقی ندارد که آرای مزبور در محدوده یا خارج از قلمرو کشور محل تقاضای اجرا صادر شده باشد. همچنین، از این جهت فرقی ندارد که آرای مزبور در یک کشور دیگر متعاقد یا غیرمتعاقد صادر شده باشد. در این کشورها تنها بحث در مورد تشخیص رأی داوری بین‌المللی و رأی داوری داخلی است، زیرا کنوانسیون شامل آرای داوری داخلی نمی‌شود و برای تشخیص داخلی یا بین‌المللی بودن رأی داوری، مقررات کشور محل شناسایی ملاک عمل خواهد بود.

طبق بند سوم ماده اول کنوانسیون نیویورک وصف تجاری باید بر پایه حقوق داخلی کشور

شرط‌کننده لحاظ شود. دیده می‌شود که این قید به طور قابل توجهی دامنه اجرای کنوانسیون را محدود می‌کند و به همین دلیل بیشتر کشورهایی که ابتدا از این شرط استفاده کرده بودند، با مشاهده این مشکل مانند فرانسه، از این حق صرف نظر کردند. مشکل اصلی از تجاری بودن موضوع ناشی نمی‌شود، زیرا بیشتر اختلافات بین‌المللی تجاری هستند بلکه، مشکل از مفهوم تجاری نشئت می‌گیرد. در این کنوانسیون مفهوم تجاری به حقوق داخلی واگذار شده است که با نیازهای جامعه بین‌المللی سازگار نیست. در جامعه بین‌المللی، مفهوم وسیعی پذیرفته شده است، درحالی که در حقوق داخلی مفهوم محدودتری مورد قبول واقع شده است.

۳-۴- مفهوم تجاری در قوانین داخلی ایران

قانون داوری تجاری بین‌المللی مصوب ۱۳۷۶ با وجود این که از قانون نمونه آنسیترال الگوبرداری کرده است از تعریف تجاری خودداری نموده است و تنها داوری تجاری را تحت پوشش قرار داده است. اما برای تشخیص تجاری بودن ملاک خاص خود را مطرح کرده است. در بند اول ماده دوم این قانون مقرر شده است که «داوری اختلافات در روابط تجاری بین‌المللی اعم از خرید و فروش کالا، خدمات، حمل و نقل، بیمه، امور مالی، خدمات مشاوره‌ای، سرمایه‌گذاری، همکاری‌های فنی، نمایندگی، حق العمل کاری، پیمانکاری و فعالیت‌های مشابه مطابق مقررات این قانون صورت خواهد پذیرفت». در این تعریف اشاره‌ای به ماده‌های دوم و سوم قانون تجارت مصوب ۱۳۱۱ نشده است و معنای بسیار عامی از تجارت بیان شده است. با توجه به متن مزبور این نتایج حاصل می‌شود: اول- قانون ایران در این مورد از قانون نمونه آنسیترال الگوبرداری کرده است. دوم- مصادیق نام برده شده در این قانون تمثیلی هستند و نه حصری و قانون فقط برخی از روابط تجاری را مورد لحاظ قراردادده است. سوم- برخلاف حقوق داخلی مصادیق تجاری در این قانون وسیعتر از اعمال تجاری در قانون تجارت مصوب ۱۳۱۱ محسوب می‌شود، بنابراین همین که رابطه ماهیت تجاری عرفی بین‌المللی را داشته باشد تجاری محسوب خواهد شد، هرچند مشمول عناوین مقرر در ماده دوم قانون تجارت مصوب ۱۳۱۱ نباشد.

نتیجه

جمهوری اسلامی ایران اوایل سال ۱۳۸۰ به کنوانسیون نیویورک مصوب ۱۹۵۸ میلادی ملحق شد. از مزایای الحاق ایران به کنوانسیون نیویورک می‌توان حل مشکلات مربوط به آئین دادرسی دانست زیرا کنوانسیون نیویورک متضمن اصل حاکمیت اراده و بسیاری از نکات اساسی مربوط به آئین رسیدگی است؛ به علاوه این کنوانسیون توانسته است مهم‌ترین مشکل عملی، یعنی مشکل اجرای آرای داوری بین‌المللی را که بدون توجه به قواعد داوری ایران صادر شده‌اند، حل کند. چرا که طبق ماده نهم قانون مدنی ایران عهدنامه یا معاهده‌ای که دولت به آن ملحق می‌شود، پس از طی مراحل تصویب در نظام حقوقی ایران، در حکم قانون کشور است و قانون لاحق چنان چه متعارض با قانون سابق یعنی مقررات باب هشتم قانون آئین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۷۹ باشد، تا حدی که با آن تعارض دارد، آن را نسخ می‌نماید.

با الحاق به کنوانسیون نیویورک ایران به شبکه‌ای از بیش از یکصد و چهل کشور جهان پیوسته است که نه تنها خود را ملزم به احترام به داوری می‌دانند بلکه شناسایی و اجرای آرای داوری را نیز تضمین می‌کنند. همچنین است که شرط تجاری موجود در کنوانسیون نیویورک منجر به ایجاد چندگانگی در کشورهای متعاقد در خصوص تفسیر ماهیت تجاری شده است؛ قانون داوری تجاری بین‌المللی مصوب ۱۳۷۶ مقتبس از قانون نمونه آنستیرال می‌باشد که این قانون اصطلاح تجاری را در مفهوم وسیع آن تعریف نموده است.

تصویب بسیاری از کنوانسیون‌های بین‌المللی از سوی قوه قانونگذاری منوط به رعایت اصل یکصد و سی و نهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران شده است که یکی از مهم‌ترین آن‌ها کنوانسیون نیویورک می‌باشد؛ به موجب تبصره بند دوم ماده واحده الحاق ایران به کنوانسیون مزبور، رعایت اصل یکصد و سی و نهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در خصوص ارجاع به داوری الزامی است و در نتیجه رعایت اصل مزبور به این معنا است که دادگاه‌های ایران از شناسایی و اجرای آرای خارجی صادره در کشورهای متعاقد دیگر به دلیل تعارض با اصل یکصد و سی و نهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران خودداری خواهند کرد که این امر خود یکی از موانع اجرای صحیح کنوانسیون نیویورک در امر داوری است.

گنجاندن تبصره مزبور می‌تواند ضمانت اجرای مقرر در ماده ۱۴ کنوانسیون نیویورک را به همراه

داشته باشد که آن خودداری از شناسایی و اجرای آرای داوری صادره در ایران است. ماده ۱۴ مقرر می‌دارد که یک دولت متعاقد مجاز نخواهد بود در قبال دولت‌های متعاقد دیگر از این کنوانسیون منتفع گردد، مگر تا حدودی که آن دولت خود را متعهد به اعمال این کنوانسیون می‌داند. بنابراین، کشورهای دیگر می‌توانند به دلیل وجود تبصره مزبور از شناسایی و اجرای آرای داوری صادره در ایران خودداری کنند که این امر می‌تواند ضربه بزرگی به داوری در ایران وارد کند.

پیشنهاد

از این رو، دو راهکار پیشنهاد می‌گردد: اول- اصلاح و بازنگری اصل یکصد و سی و نهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و همچنین ماده ۴۵۷ قانون آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۷۹ که داوری‌پذیر نبودن این گونه اختلافات مبنای چندان محکمی ندارد و بیشتر مبتنی بر مصلحت اندیشی است تا منطق حقوقی. دوم- حذف تبصره واحده قانون الحاق دولت جمهوری اسلامی به کنوانسیون نیویورک یا اصلاح آن بدین نحو که اجرای این امر محدود به تصویب در هیئت وزیران باشد که این امر منجر به جلوگیری از اطاله دادرسی می‌باشد.

ملاحظات اخلاقی: موارد مربوط به اخلاق در پژوهش و نیز امانتداری در استناد به متون و ارجاعات مقاله تماماً رعایت گردیده است.

تعارض منافع: تعارض منافع در این مقاله وجود ندارد.

تأمین اعتبار پژوهش: این پژوهش بدون تأمین اعتبار مالی نگارش یافته است.

منابع

فارسی

- امیری، آبتین؛ صادقی، محمد؛ میرعباسی، سیدباقر؛ عسگرخانی، ابومحمد، ۱۳۹۸، ارزیابی تاثیر رعایت مقررات

حقوق بین‌الملل در توسعه اقتصادی، **فصلنامه تحقیقات حقوق بین‌المللی**، شماره ۴۵.

- امیرمعزی، احمد، ۱۴۰۱، **داوری بازرگانی بین‌المللی**، چاپ سوم، تهران، انتشارات دادگستر.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر، ۱۴۰۴، **ترمینولوژی حقوق**، چاپ چهارم، تهران، انتشارات گنج دانش.
- جنیدی، لعلیا، ۱۳۹۰، کنوانسیون نیویورک و رژیم اجرایی آن، **فصلنامه مطالعات حقوق تطبیقی**، شماره ۱.
- رستمی، امین؛ زمانی، مسعود؛ توسلی، منوچهر، ۱۳۹۷، تعیین داوران و حدود اختیارات آنان در داوری تجاری بین‌المللی، **فصلنامه تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌المللی**، شماره ۴۰.
- زارع، علی و ابراهیمی رامندی، جمشید، ۱۳۹۷، اصول حقوقی حاکم بر داوری سازمان جهانی مالکیت فکری، **فصلنامه تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌المللی**، شماره ۴۲.
- دهخدا، علی اکبر، ۱۳۷۷، **نعت نامه دهخدا**، چاپ دوم، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- دی ام لیو، جولیان، ۱۳۹۱، **داوری تجاری بین‌المللی تطبیقی**، ترجمه دکتر محمد حبیبی مجنده، چاپ اول، قم، انتشارات دانشگاه مفید.
- سلیمی، صادق و عیسیان، جبار، ۱۴۰۲، همگرایی موازین حقوق بشری ملی و بین‌المللی در پرتو آراء دادگاه‌های ملی، **فصلنامه مطالعات حقوق عمومی**، شماره ۳۵.
- شیروی، عبدالحسین، ۱۴۰۳، **داوری تجاری بین‌المللی**، چاپ شانزدهم، تهران، انتشارات سمت.
- مافی، همایون و اسحق، مهشید، ۱۴۰۲، موانع شناسایی و اجرای آرای داوری در کنوانسیون نیویورک راجع به شناسایی و اجرای آرای داوری خارجی و قانون داوری تجاری بین‌المللی ایران، **فصلنامه پژوهشنامه حقوق تطبیقی**، شماره ۱۱.
- ملاابراهیمی، عماد و ارفع‌نیا، بهشید، ۱۳۹۸، تحلیل روش‌های جایگزین حل و فصل اختلافات در قراردادهای

جدید بالادستی نفتی ایران، **دوفصلنامه مطالعات حقوق انرژی**، شماره ۲.

- میرعباسی، سیدباقر و قاسم‌زاده مسلبه، مجید، ۱۳۹۹، امکان سنجی اعمال ضابطه رفتار ملل کامله‌الوداد در حل

و فصل اختلافات سرمایه‌گذاری بین‌المللی، **فصلنامه مطالعات حقوق عمومی**، شماره ۲.

لاتین

- David, R. 1983, Arbitration in International Trade, Dordrecht, The Netherlands: Kluwer Law and Taxation Publishers.

Legal Civilization

ISSN: 2873-1841
ISSN: 2873-1922

No.25- Autumn 2025

- Exploring the Possibility of Establishing Crimes Against Humanity from the Unilateral US Sanctions Against Iran
Homayoun Mafi, Morteza Pourazai
- Analysis of Blockchain Based Smart Contracts from the Perspective of the United Nations Convention on Contracts for the International Sales of Goods
Aria Ebrahimi, Sobhan Tayebi
- Artificial Intelligence and the Criminal Law System: An Analysis of Responsibilities and Implications
Hadi Jamshidi Far, Mehdi Jafarian, Roghayeh Jafarian
- Digital Transformation of Criminal Justice in the Light of Digital Justice: The Synergistic Function of Emerging Technologies
Seyed Alireza Mirkamali, Seyed Mostafa Hosseini Dastjerdi
- The Legal Status of Joint Inventions and the Extent of Ownership and Possession of the Inventors in Them
Saeed Molavi, Narjes Darbani Chelche
- Contractual Obligations in Cross-Border E-Commerce and the Challenges of Their Enforcement in International Arbitration with Emphasis on International Treaties
Ehsaneh Vosoughi Monfared, Mohammad Ali Kefaei Far
- An Analysis of the Involvement of Moral Theories in Criminal Law
Iraj Morvati, Saeid Ahmadi, Negin Bahadori Jahromi
- The Need to Criminalize the Possession of Miners in Iran (Comparative Study)
Mahdi Rajaeian, Shadi Chegini
- The Relationship between Human Dignity and the Goals of Punishments in Criminal Law
Amirhasan Abolhasani, Sattar Fakhrzai, Zeinab Ghaderi
- Analyzing the Concept of Right to the Child in Imami Narrations: A Critique of the Concept of Custody in Jurisprudence and Family Law
Hojjatollah Dehghani
- Comprehensive Legal System of the National Iranian Oil Company (NIOC) SAHN; a Strategic Transformation in the Intelligent Legal Governance of Iran's Oil Industry
Sayyed Hojjatollah Alamolhoda, Mohammad Mahdi Asadi
- Basic Principles of Insurance and its Consequences on Intention to Cause Damage
Mohammad Kamali, Mohammadali Jahani, Hamidreza Salimi
- Analysis of the Causes of Delinquency Among Children and Adolescents in Iranian Criminal Law
Sayyed Ahmad Peyrovnaziri, Amirreza Mahmoudi
- Examining the Validity and Admissibility of Modern Communication Tools in the Process of Proving Crime in the Iranian Legal System
Alireza Bagheri Hassanabadi
- Criminal Liability of Notaries Public: Analysis of Legal Challenges and Preventive Solutions in the Iranian Registration System
Ayoub Rahimi
- The Concept of Public Interest in the Light of John Stuart Mill's Utilitarianism and Its Comparison with the Thought of Jeremy Bentham
Ahmadreza Soltanian
- Civil Liability for Robots and Artificial Intelligence: Legal Challenges and Solutions in the Age of New Technologies
Jeyran Ebrahimi
- Supportive Policymaking for Women's Victimization in the Family with an Emphasis on New Developments
Mahbobeh Talebi Rostami
- The Impact of Criminal Psychology on Committing Crimes in Iranian and French Law
Vahid Kioumarsi
- The Responsibility of States for Human Rights Violations by Private Security Companies on Foreign Missions
Mahdi Gharedaqi, Masoud Sarfarazi Saleh
- A Jurisprudential and Legal Study of the Condition for the Return of the Endowment to the Donor's Property
Habibollah Abdollah Poor, Hamidreza Namavar
- An Analysis of the Environmental Crimes of the United States of America and Israeli Aggression against the Islamic Republic of Iran
Javad Cheraghi
- Legal Analysis of the Role of Real Estate Consultants in Preserving Land Ownership Rights and Its Enforcement Challenges in Iran
Mohammad Ahmadi
- The International Criminal Courts Counteraction to the Spread of ISIS Crime
Javad Dashtian
- The Validity of the New York Convention in Iran's International Commercial Arbitration and the Arbitration Agreement with an Emphasis on the Commercial Concept
Ali Babapour Hamrahloo, Pouya Banihashem
- Ownership and Exploitation of Water in the Iranian Legal System
Ahmad Padidar, Yaser Sayyad Poor
- The Right to be Forgotten and its Effects on Contractual Relationships in Public Blockchains; a Comparative Analysis of Data Privacy in Iranian and European Law
Arefeh Ghasem Zadeh Dehabadi
- An Examination of the Legal Nature of Build-Lease-Transfer (BLT) Contract
Ali Zarei Jalalabadi
- The Role of the Lawyer in Preliminary Investigations in the Criminal Procedure Code
Alireza Deraei
- Identifying and Prioritizing Socio-Political Factors Affecting Begging in Zahedan
Mohammad Kamal Dadras
- Civil Liability of the State for Damages Caused by Delayed Proceedings
Ali Farahi
- The Impact of Government Economic Policies on Contractual Freedom in Private Markets
Radmehr Rahmani Golafshan
- A Historical Review of Criminalization of Armed Forces Crimes
Yasser Shakeri